

کشف ۴۵۰ تن انواع موادمخدر در ۸ ماه

فرمانده نیروی انتظامی از کشف ۴۵۰ تن انواع مواد مخدر در هشت ماه امسال خبر داد.

سردار احمدی مقدم که در شهرستان ساری به میان خبرنگاران آمده بود با اشاره به اینکه نیروی انتظامی در یک ماه به طور میانگین ۴۲ تا ۵۰ تن کشفیات موادمخدر دارد، افزود: از اولویت‌های امسال نیروی انتظامی مبارزه با سرقت است و با مهار قابل توجه روند رشد سرقت تا آذر، امسال کاهش سرقت را در کشور تجربه می‌کنیم.

سردار احمدی مقدم مبارزه با فرورسندگان موادمخدر را اولویت دوم نیروی انتظامی دانست و گفت: با تلاش و جدیت نیروی انتظامی، امسال کشفیات موادمخدر در کشور در مقایسه با سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است.

فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران همچنین با اشاره به اینکه از یک میلیون و ۲۹۰ هزار زائر ایرانی شرکت‌کننده در مراسم اربعین حسینی در کربلا معلی، ۹۰۰ هزار نفر تاکنون به کشور بازگشتند، گفت: نیروی انتظامی با تشکیل قرارگاه در استان خوزستان و با همکاری بیش از ۵ هزار نیروی کمکی، در امنیت و آرامش برگزاری این مراسم و رفت و برگشت زوار نقش مهمی ایفا کرده است.

کلاهبرداری با وعده آزادی زندانی

مردی که با وعده آزادی زندانیان در شهرستان خدابنده زنان از مردم کلاهبرداری می‌کرد، بازداشت شد.

چندی قبل مأموران پلیس در جریان کلاهبرداری مردی از اعضای یک خانواده قرار گرفتند. شاکتی گفت: چند نفر از اعضای خانواده‌ام به اتهام حمل مواد مخدر بازداشت شده‌اند و در حبس به سر می‌برند. این‌بعد از محاکمه به اعدام محکوم شدند تا اینکه مردی ادعا کرد می‌تواند در قبال گرفتن ۴۵۰ میلیون تومان شرایط آزادی محکومان را فراهم کند. من هم اعتماد کردم و بعد از اینکه با سختی زیاد پول را تهیه و در اختیارش گذاشتم ناپدید شد. با مشخصاتی که شاکتی در اختیار پلیس گذاشت، مأموران متوجه شدند متهم یکی از مجرمین سابقه‌دار است که از سوی مأموران تحت تعقیب است. مأموران پلیس بعد از تحقیق، متهم را بازداشت کردند. او در بازجویی‌ها به جرم خودش اقرار کرد. سرهنگ «پیرام خلیلی»، فرمانده انتظامی شهرستان خدابنده گفت: متهم با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی و روانه زندان شد.

در خواست طلاق از زنی که همیشه غیبت می‌کند

مردی که از غیبت کردن‌های همسرش خسته شده بود به دادگاه خانواده رفت و درخواست طلاق داد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، چندی پیش مرد جوانی به دادگاه خانواده رفت و درخواست طلاق داد. وی در خصوص علت آن به قاضی گفت: همسرم مرتب در حال غیبت کردن است و حتی یک روز هم از این کار دست نمی‌کشد. او هر روز تلفن را برمی‌دارد و با تمام دوستان و آشنایانش تماس می‌گیرد و غیبت می‌کند. همیشه هم به خاطر این کارهایش برایمان در درس درست شده و کلی دعوا به راه افتاده است. اما باز هم برایش درس عبرت نمی‌شود. مرد جوان ادامه داد: هر چه با او دعوا می‌کنم و از او می‌خواهم دست از اینکارهایش بردارد قیامه‌ای ندارد. او به هر نحوی که شده پشت سر دیگران حرف می‌زند و کلی شر به پا می‌کند، دیگر از دست کارهای او خسته شدم و تصمیم به جدایی گرفتم.

بعد از حرف‌های این مرد، قاضی همسر وی را به دادگاه احضار کرد.

واژگونی خونین اتوبوس مسافربری

واژگونی اتوبوس مسافربری در محور تبریز به ارومیه ۲۳ زخمی بر جای گذاشت. این حادثه روز گذشته در محور «تبریز - ارومیه» محدوده پل خاضبان، اتفاق افتاد و مصدومان با کمک امداداران به بیمارستان امام رضا (ع) تبریز منتقل شدند که وضعیت آنها رضایت بخش اعلام شده است.

«حیب حسینیقلی‌زاده»، مسئول روابط عمومی مرکز فوریت‌های پزشکی آذربایجان شرقی به ایسا گفت: از مردم درخواست می‌کنم هنگام بروز سوانح، به جای فیلم گرفتن و تجمع، راه را برای عبور خودروهای امدادی باز کنند. علت حادثه در دست بررسی است.

تصادف خونین پراید با گله شتر

تصادف یک دستگاه خودروی پراید با گله شتر در جاده جاپاهار به نیکشهر، یک کشته و چهار مجروح بر جای گذاشت. این حادثه روز گذشته در کیلومتر ۸۵ محور جاپاهار به نیکشهر اتفاق افتاد و مأموران پلیس در محل حاضر شدند و مجروحان را به بیمارستان منتقل کردند. علت حادثه توجه نکردن به جلو از سوی راننده پراید اعلام شد.



پیگیری خبر

زنی که شوهرش به اتهام قتل راننده آژانس و یک دختر جوان در بازداشت به سر می‌برد می‌گوید احتمال می‌دهد که شوهرش مرد دیگری را هم به قتل رسانده باشد. به گزارش خبر نگار ما، بعد از اقرار متهم ۲۴ ساله که مجید نام دارد همسر وی به دستور قاضی بستان‌زاده باز پرس ویژه قتل به دادسرا احضار شد. وی روز گذشته مقابل باز پرس قرار گرفت و گفت: مجید از چند سال قبل در یک شرکت کار می‌کرد اما مدتی قبل او را اخراج کردند. وقتی تحقیق کردم متوجه شدم که او برای بانوان آن شرکت ایجاد مزاحمت می‌کرد. بعد از اخراجش با موتور مسافر کشی می‌کرد تا اینکه متوجه شدم با دختری به نام معصومه که قبلاً همکلاسی من بود، رابطه برقرار کرده است. از مجید خواستم رابطه‌اش را قطع کند اما توجه نکرد تا اینکه قهر کردم و به خانه پدرم رفتم. مجید بارها تماس گرفت و خواست برگردم اما به حرفش توجه نکردم تا اینکه یک روز تماس گرفت و گفت دختر جوان را به قتل می‌رساند و گوش‌هایش را برایم به خانه می‌آورد. من حرفش را جدی نگرفتم و توجه نکردم. بعد

هم تماس را قطع کردم تا اینکه روز بعد با گوشی تلفن همراهش عکس مشکوکی برآیم ارسال کرد. بعد هم تماس گرفت و گفت معصومه را به قتل رسانده و گوش‌هایش را بریده و داخل الکل انداخته و عکس آن را ارسال کرده است. وقتی به خانه آمدم و گوش‌ها را دیدم، فهمیدم که حرفش جدی بود. همسر متهم گفت: من از اختلاف شوهرم با آن راننده آژانس خبر نداشتم و نمی‌دانستم که مجید او را به قتل رسانده است اما مدتی قبل یک روز به خانه آمد و وسایلی زیادی مثل کیف زنانه و گوشی‌های موبایل همراهش بود. گفتم اینها را از کجا آورده‌ای. گفت امانت یکی از دوستانش است. بعد هم از خانه بیرون رفت. وقتی یکی از گوشی‌ها را بررسی کردم، عکس پسر جوانی را دیدم که او را بارها همراه شوهرم دیده بودم. چند روز بعد از آن بود که دیدم سسر کوچک پسر آن جوان حمله زده‌اند. وقتی سؤال کردم گفتند که او را به قتل رسانده‌اند. حالا هم احتمال می‌دهم که شوهرم آن مرد را به قتل رسانده باشد. بعد از اظهارات زن جوان، وی به دستور باز پرس بازداشت شد.

رضایت مرد خیر از دزد خانه‌اش

انها چطور وارد خانه شده بودند. چاقو و اسبری اشک‌آور داشتند. رسیدم. گفتند که جای پول‌ها را نشان بده. گفتم که پول‌ها داخل کمد دیواری است. به سراغ کمد رفتمند و ۶ میلیون تومان پولی را که آنجا بود برداشتند و گریختند. همان لحظه چیخ کشیدم و کمک خواستم. بعد فهمیدم که همسایه‌ها یکی از درزان را بازداشت کرده‌اند.

بعد از مطرح شدن شکایت، دزد میانسال در محل حاضر شدند و دزد میانسال را در حالی که چاقو، اسبری اشک‌آور و چسب پهن همراهش بود، دستگیر کردند. مردی که پلیس را از ماجرا باخبر کرده بود، گفت: لحظاتی قبل بود که از خانه همسایه صدای چیخ شنیدم و به سرعت برای کمک راهی کوچه شدم. دو مرد نقاب‌دار را در حال فرار دیدم. پسر جوانی که نقاب به چهره داشت با موتور گر پخت اما با کمک همسایه‌ها موفق شدیم که مرد میانسال را بازداشت کنیم.

مأموران سپس از زن سالخورده‌ای که از خانه ویلایی‌اش سرقت شده بود، تحقیق کردند. او گفت: من در خانه تنها بودم که ناگهان دو مرد نقاب‌دار از اتاق پذیرایی را شکستند و وارد شدند. البته نمی‌دانم که



عامل قتل پنج نفره ولنجک قصاص شد

مهندس ایرانی - امریکایی که چهار سال قبل بر سر گلوله به قتل رسانده بود، سحرگاه دیروز قصاص شد. حمید - متهم ۶۰ ساله - سه عضو خانواده خود، یک قاضی شورای حل اختلاف و یک وکیل را به قتل رساند. به گزارش خبرنگار ما، شامگاه پنجشنبه ۳۰ مهر ماه سال ۸۸، ساکنان برج مسکونی پیراسته در خیابان مقدس از دبلیو، مأموران کلاتری ولنجک را از حادثه تیراندازی در ساختمان باخبر کردند. بررسی‌های اولیه بعد از حضور پلیس و باز پرس در محل نشان داد که عامل تیراندازی مردی به نام حمید است که مادرش، شوهر خواهرش، خواهرزاده‌اش، وکیل مدافع مادر و خواهرانش و قاضی شورای حل اختلاف را به قتل رسانده و از محل گریخته است. تحقیقات درباره حمید نشان داد که او سال ۵۴ دانشگاه شریف در رشته سازه فارغ‌التحصیل شد و بعد برای ادامه تحصیل به کانادا رفت و کارشناس ارشد در رشته سازه شد. او سپس با حمایت پدرش به امریکا رفت و اعتبارش در این کشور آنقدر بالا رفت که به عنوان مهندس در چند ایالت امریکا حق امضا گرفت. کار آگاهان بعد از تحقیق حمید را در خانه‌اش بازداشت کردند. او در بازجویی‌ها به جرم خودش اقرار کرد و توضیح داد: من سال ۵۴ بعد از اینکه از دانشگاه شریف فارغ‌التحصیل شدم راهی کانادا شد و در آنجا تحصیلاتم را ادامه دادم. بعد از آن بود که مدتی به ایران آمدم. در این سفر بود که متوجه شدم مادرم با یکی از شرکای پدرم که مردی ایتالیایی بود از تباطد دارد. به دلیل علاقه زیادی که به مادرم داشتم خواستم از تباطش را قطع کنم اما توجه نکردم و من را نزد خانواده مردی با بیماری شیذوفرنی معرفی کرد. با وجود رفتارهای مادرم دیگر نتوانستم در ایران بمانم و برای چند سال در کانادا و امریکا زندگی کردم.

متهم در توضیح حادثه گفت: شبی که پدرم فوت شد مادرم مرا از خانه بیرون کرد. بعد از آن خواهرانم حساب‌های بانکی پدرم را خالی کردند و همسرا یک میلیارد تومان فرشی که داشت بین خودشان تقسیم کردند. در حالی که پدرم ۴۰ میلیارد تومان سرمایه داشت، گفتند سهم من ۱۵۰ میلیون تومان است. بعد از آن بود که اعلام شکایت کردم و پای محمد منصوری، قاضی شورای حل اختلاف - یکی از مقتولان - به زندگی ما باز شد. روز حادثه برای تحریر فهرست از ثنی، من، وکیل، قاضی منصوری، وکیل مادرم، سیامک و صدف در خانه مادرم حاضر شدیم. اجناس صورت‌برداری و حساب‌های پدرم و دفاترش همگی در خانه مادرم پیدا شد. فرش‌ها هم آنجا بود. بعد از هفت ساعت کار و بحث و در حالی که همگی خسته بودیم، فرصتی پیش آمد تا من و مادرم با هم آشتی کنیم. این همه آن چیزی بود که من می‌خواستم اما یکدفعه وکیل مادرم دخالت کرد و گفت توبه مارت تو همین کردی. این حرف باعث شد من از کوره در بروم و درگیری لفظی پیدا کردم. آن وکیل به قاضی منصوری گفت از من شکایت دارد و درخواست کرد این اتفاق صورتجلسه شود. قاضی هم این کار را کرد اما فحش‌هایی را که وکیل داده بود، در صورتجلسه ننوشت.

من هم عصبانی شدم و دوباره اعتراض کردم. منصوری گفت: داد بزنی می‌اندازمت زندان. دیگر نفهمیدم چه شد. بیرون رفتم از خودم پرسیدم بزیم؟ صدایی به من گفت بزیم دوباره پرسیدم بزیم؟ صدا تأکید کرد بزیم. وارد خانه شدم. هیچ کس را نمی‌دیدم همه در برابرم سیاه شده بودند من سیاهی می‌دیدم و نمی‌توانستم آدم‌ها را تشخیص دهم. اصلاً نمی‌دانم به چه ترتیبی تیراندازی کردم. فقط می‌دانم که دم بعد به خانه خودم رفتم و دو روز بعد دستگیر شدم.

بعد از انجام تحقیقات کیفرخواست علیه حمید به اتهام پنج فقره قتل عمد صادر و برای رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران قرار گرفت. در جلسه دادگاه یکی از اولیای دم از متهم اعلام گذشت کرد اما بقیه گفتند که خواسته‌شان قصاص متهم است. حمید در جلسه دادگاه اتهام خودش را قبول کرد و حادثه را شرح داد. هیئت قضات بعد از شور حمید را به چهار بار قصاص محکوم کردند. رأی دادگاه بعد از تأیید در دیوان عالی کشور و انجام تشریفات قانونی روز گذشته در زندان رجایی شهر اجرا شد.

ز امبی پرندگان

در حیات وحش پرندهای زندگی می‌کند که علاقه زیادی به خوردن مغز پرندگان دیگر دارد.

این پرنده که در منطقه آسیا و شمال آفریقا زندگی می‌کند گراتتیت نام دارد و نام مستعارش زامبی پرندگان است. غذای او از میان پرندگان و دانه‌ها تشکیل می‌شود ولی از خوردن مغز دیگر پرندگان لذت می‌برد. این پرنده با نوک قوی خود به دیگر پرنده‌ها حمله می‌کند و سر آنها را شکافته و مغزشان را می‌خورد.



رستوران استخوانی در مکزیک

رستورانی در کشور مکزیک به خاطر طراحی دکوراسیونش خبرساز شده است. اسم این رستوران استخوان است و کسانی که وارد آن می‌شوند احساس می‌کنند به موزه حیات‌وحش که اسکلت حیوانات در آن نگهداری می‌شود، وارد شده‌اند. در این رستوران تمام دکوراسیون از استخوان تشکیل شده است. طراح داخلی این مکان می‌گوید با ۱۰ هزار استخوان حیوان استفاده کرده است. این استخوان‌ها به صورت‌های مختلفی از دکور روی میزها و گلدان‌ها گرفته تا پوشیده شدن دیوار و حتی ساختن نقاشی‌های معروف از استخوان در فضا پراکنده شده‌اند و لحظه‌ای از مقابل چشمان دور نخواهند شد.



خارج از مدار



ونیز آفریقا

در کشور مصر شهر کوچکی وجود دارد که خانه‌هایش را روی آب بنا کرده‌اند. این شهر «المکس» نام دارد و فاصله نزدیکی با شهر اسکندریه دارد. شغل بیشتر مردم شهر ماهیگیری است. مردم



مرد امریکایی کودک ۴ ساله‌اش را در لباسشویی کشت!

مرد امریکایی که متهم است پسر چهار ساله‌اش را درون ماشین لباسشویی انداخته و باعث مرگ وی شده، بازداشت شد. این مرد که «جوزف بلاکر» نام دارد به جرم قتل عمد پسر چهار ساله خود در زندان به سر می‌برد. او پس از انداختن پسرش

شکار شیر در کنیا

اعضای این قبیله هنوز سنت ایجاد خود را حفظ کرده‌اند و از راه گاو داری زندگی می‌کنند. آنها باین‌دو شمشر می‌چنگندوشیرها را به خاطر محافظت از گاوها و استفاده از پوست‌شان شکار می‌کنند. زمانی که شما وارد یک قبیله ماسایی می‌شوید، پسرهای جوان قبیله شما را به خانه‌های محقر خود که حتی روزنهای از نور در آن وجود ندارد، راه می‌دهند. آنها دور آتش می‌چرخند و صداهای عجیبی از خودشان درمی‌آورند. پسرهای قبیله وقتی به سن بلوغ می‌رسند به شکار شیر می‌روند تا به این وسیله خودشان را به اثبات برسانند.

